

## امکان سنجی تحقق صلح شبه جزیره کره در پرتو "طرح ابتکار صلح"

رئوف رحیمی<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

مرضیه سادات الوند

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

(تاریخ دریافت ۹۹/۰۱/۰۵ - تاریخ تصویب ۹۹/۱۲/۱۴)

### چکیده

تقسیم کره به کره شمالی و جنوبی از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و پایان ۳۵ سال سلطه ژاپن بر کره نشأت می‌گیرد. با وجود مخالفت کره‌ای‌ها، آمریکا و شوروی توافق کردند قیومیت موقت کره را برعهده گیرند تا در نهایت دولت کره‌ای مستقل شکل بگیرد. عدم همکاری شوروی با برنامه سازمان ملل موجب شکل‌گیری یک دولت کمونیستی تحت حمایت شوروی در شمال و یک دولت طرفدار غرب در جنوب شد. ادعای حاکمیت بر کل شبه جزیره کره از سوی هر دو دولت، منجر به جنگ کره در سال ۱۹۵۰ شد و با دخالت قدرت‌های بزرگ، صلح موقت در سال ۱۹۵۳ برقرار گردید. از پایان جنگ کره آرزوی صلح و اتحاد دو کره منجر به تحولات سیاسی زیادی در شبه جزیره کره شده است. از این‌رو مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که نقش مون جائه‌این، رئیس‌جمهور فعلی کره جنوبی، در طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره با توجه به زمینه‌های اتحاد دو کره چه بوده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به منوط کردن صلح شبه جزیره کره به مساله خلع سلاح هسته‌ای و نگرانی کره شمالی از به خطر افتادن جایگاهش در رقابت استراتژیک با کره جنوبی؛ مون جائه‌این، برخلاف سیاست اسلاف خود با تلاش برای ایفای نقش هدایت‌گری در مسائل درون کره بدنیال ایجاد اعتمادسازی میان دو کره و آمریکا و کره شمالی برای تحقق صلح شبه جزیره کره می‌باشد. در این نوشتار به روش کیفی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی به پرسش اصلی تحقیق پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کره شمالی، کره جنوبی، مون جائه‌این، طرح ابتکار صلح، دکترین برلین.

Email: r.rahimi@ub.ac.ir

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۶۷-۴۱.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.7.3

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## مقدمه

جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت در این دوره سبب شد سرنوشت شبه جزیره کره براساس جدایی دو کره (شمالی و جنوبی) رقم خورد. جنگ کره با "توافق صلح موقت" در سال ۱۹۵۳ خاتمه یافت و از آن زمان تاکنون تلاش‌هایی برای پایان دادن به دشمنی‌های دو کره بصورت گفتگوهای رسمی انجام شده است. چنانکه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ برای روه تایی وو<sup>۱</sup> (۱۹۸۸-۱۹۹۳)، رئیس‌جمهور وقت کره جنوبی، فرصتی فراهم شد تا سیاست خود را مبنی بر تحقق صلح دنبال کند. این امر مستلزم ایجاد روابط سیاسی با متحدان سنتی کره شمالی خصوصاً با اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ و چین در سال ۱۹۹۲ بود. موفقیت دیپلماتیک روه با فروپاشی شوروی همراه شد. ازسویی توافق تجاری بین دو کره، پیونگ یانگ را مجبور کرد تا متعهد به دیپلماسی هماهنگ با سئول شود. در سپتامبر ۱۹۹۱ دو کره به‌طور ناگهانی به سازمان ملل ملحق شدند، چند ماه بعد سئول و پیونگ یانگ در توافقاتی وارد شدند که اشاراتی به پیمان صلح نیز داشت. برای نمونه ماده ۵ "توافق آشتی جویانه ۱۹۹۱"، به عدم تجاوز؛ مبادلات و همکاری بین دو کره تأکید می‌کرد. اما کره شمالی با کنارگیری از مذاکرات شش‌جانبه، روند گسترش تسلیحات هسته‌ای خود را پیش گرفت. سرانجام در دو سال اخیر با میانجی‌گری‌های کره جنوبی و چین، کیم جونگ اون<sup>۲</sup>، رهبر فعلی کره شمالی، به‌طور مکرر اعلام نمود که آرزو دارد تا خلع سلاح شبه جزیره کره را با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی امریکا، مورد مذاکره قرار دهد اگرچه این مساله را با از بین رفتن تهدیدات علیه کره شمالی و تضمین امنیت رژیم خود مرتبط ساخت. مون جائه‌این<sup>۳</sup>، رئیس‌جمهور کره جنوبی، که در می ۲۰۱۷ بر سرکار آمده است، نیز اعلام نمود که رویکردش مبتنی بر ایجاد یک پیمان صلح‌بخش با کره شمالی است. چین نیز در سال ۲۰۱۶ تعقیب مذاکرات متوازن نسبت به خلع سلاح شبه جزیره کره و جایگزین کردن توافق

---

<sup>۱</sup> Roh Tae-woo

<sup>۲</sup> Kim Jong-un

<sup>۳</sup> Moon Jae-in

آتش‌بس با پیمان صلح را مطرح کرد و در مارس سال ۲۰۱۷، ایده به تعویق انداختن فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی در عوض به تعلیق انداختن مانورهای نظامی در مقیاس وسیع توسط کره جنوبی و آمریکا را پیشنهاد داد و روسیه نیز آن را تایید کرد. آن‌ها استدلال کردند می‌توانند شرایطی را برای مذاکرات به شیوه دوگانه ایجاد کنند که به خلع سلاح شبه جزیره کره و ایجاد مکانیزم صلح و امنیت کمک کند.

با وجود چالش‌های پیش‌روی پیمان صلح کره، نشست بین کیم جونگ اون و مون جائه‌این، برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد. با وجود توقف نشست‌های دوجانبه آمریکا و کره شمالی در حال حاضر، تداوم مذاکرات توافق صلح دائمی شبه جزیره کره ظاهراً همچنان از اولویت بالایی برای کره جنوبی برخوردار است. با توجه به واقعیت‌های مذکور پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که نقش مون جائه‌این، در مذاکرات صلح کره شمالی و کره جنوبی چیست؟ فرض اصلی نگارندگان آن است که با توجه به منوط شدن صلح شبه جزیره کره به مساله خلع سلاح هسته‌ای و نگرانی کره شمالی از به خطر افتادن جایگاهش در رقابت استراتژیک با کره جنوبی؛ مون جائه‌این، برخلاف سیاست اسلاف خود با ایفای نقش هدایت‌گری در مسائل درون کره، در تلاش برای ایجاد اعتمادسازی میان دو کره و آمریکا و کره شمالی برای تحقق صلح شبه جزیره کره از طریق نشست‌های دوجانبه و چندجانبه می‌باشد. در این نوشتار به روش کیفی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی به پرسش اصلی تحقیق در دو بخش پرداخته می‌شود.

### ۱. چارچوب مفهومی: صلح، منازعه و همکاری

صلح در لغت به معنای آشتی، دوستی، سازش، هماهنگی، موافقت و آرامش به کار می‌رود (Rummel, 1981: 1-3). در فرهنگ سیاسی صلح به معنای حالت ثبات و آرامش و روابط عادی میان کشورهاست و در نتیجه در چنین شرایطی تهدید و جنگ وجود ندارد (Galtung, 1996: 32-33). مفهوم صلح به لحاظ تئوریک ریشه در نظریه‌های هنجاری

دارد. آموزه‌های مربوط به صلح درصدد هستند میان تئوری و عمل رابطه برقرارکنند (Nozick, 1974: 55-57). طرفداران آموزه‌های صلح معتقدند جنگ راه‌حل اختلافات دولت‌ها و ملت‌های مختلف جهان نیست؛ زیرا جنگ موجب ویرانی و نابودی می‌شود. صلح در مقابل جنگ و منازعه قرار می‌گیرد و نه تنها مانع خرابی و نابودی می‌شود، بلکه اختلافات ملت‌ها و دولت‌ها را با کمترین هزینه ممکن برای همیشه حل و فصل می‌کند (Nozick, 1974: 59-60). براساس این برداشت دیپلماسی و مذاکره با در نظر گرفتن حقوق طرفین، تنها راه دستیابی به برقراری صلح و ثبات در سطح منطقه‌ای و جهانی است. صلح همیشه در میان بالاترین ارزش‌های بشر بوده است. زیان‌آورترین صلح از عادلانه‌ترین جنگ بهتر است. صلح ممکن است دو حالتی باشد مثلاً ممکن است پیوسته یا ناپیوسته؛ منفعل یا فعال؛ تجربی یا انتزاعی؛ توصیفی یا هنجاری و یا مثبت یا منفی باشد. واژه دیگر منازعه یا ستیز است و معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن، گروه‌های انسانی معینی خواه قبیله‌ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، تعارض آگاهانه داشته باشند.

لوریس کورز منازعه را مبارزه بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب تعریف می‌کند. منازعه بسته به شرایط مختلف می‌تواند خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز، آشکار یا پنهان، قابل کنترل یا غیرقابل کنترل و حل شدنی یا حل نشدنی باشند. منازعه با تنش تفاوت دارد چراکه تنش معمولاً با خصومت پنهان، ترس، تصور تضاد منافع و شاید هم میل به سلطه‌طلبی یا انتقام‌جویی اشاره دارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۲۱۷-۲۱۴). دانشمندان خردنگر در جستجوی ریشه‌های منازعه، از مسائل ظاهری فراتر رفته و بیشتر به مسائل ناخودآگاه، ذاتی و غریزی می‌پردازند؛ حال آن‌که دانشمندان کلان‌نگر بیشتر به انگیزه‌های آگاهانه توجه دارند. علاوه بر منازعه یکی از محورهای اصلی نظریه‌های روابط بین‌الملل را همکاری و همگرایی تشکیل می‌دهد. پرسشی که همواره مطرح می‌شود این

است که دولت‌ها چرا و چگونه به همکاری و صلح با یکدیگر می‌پردازند؟ همکاری را چنین تعریف کرده‌اند: مجموعه روابطی که براساس اجبار یا تحمیل استوار نیست و از رضایت متقابل اعضا مشروعیت می‌یابد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۶: ۵۷۳). همکاری ممکن است بر اثر تعدیل رفتار بازیگران در پاسخ به ترجیحات بازیگران دیگر تحقق یابد. همکاری می‌تواند از طریق نوعی چانه‌زنی<sup>۱</sup> صریح یا ضمنی به دست آید. همکاری گاهی محصول رابطه موجود میان یک بازیگر قوی‌تر و یک طرف ضعیف‌تر است. از سوی دیگر، همکاری و تعاملات بستگی به هماهنگی انتظارات نیز دارد. توانایی متقابل دو طرف برای پیش‌بینی نتایج رفتارشان نقش مهمی در همکاری دارد، زیرا ساختار انتظارات به تعادل قدرت دو طرف بستگی دارد. شکاف بین انتظارات و قدرت موجب منازعه می‌شود. ساختار انتظارات ثبات اجتماعی قابل توجه‌ای دارد؛ اما موازنه قدرت به سرعت تغییر می‌کند. علاوه بر موازنه قدرت، منافع، ظرفیت‌ها و اراده‌ها نیز تقویت یا تضعیف می‌شود. شکاف بین قدرت و انتظارات می‌تواند موجب از بین رفتن حمایت از توافقی شود که به دست آمده است. شکاف بیشتر تنش بیشتری را برای اصلاح انتظارات متناسب با تغییر قدرت ایجاد می‌کند. نظریه بازی‌ها مدل‌های مختلفی را در این خصوص ارائه می‌دهد از جمله می‌توان به بازی شکار آهو ژان ژاک روسو اشاره کرد (Jervis, 1978: 167-168). از این مباحث نظری درمی‌یابیم که منازعه و همکاری و پیرو آن صلح، وابستگی متقابل دارند. منازعه و همکاری فازهای جایگزین یکدیگر در فرایند اجتماعی دائمی هستند. اساس کنش انسانی منازعه، بعداً همکاری و بعد از آن دوباره منازعه و بعد از آن دوباره همکاری است. همکاری شامل هماهنگی انتظارات با موازنه قدرت به دست آمده از طریق منازعه است. از طریق منازعه در یک موقعیت خاص، توازن قدرت و توافق یکپارچه حاصل می‌شود. این موازنه مبتنی بر ایجاد تعادل میان منافع، ظرفیت‌ها و اراده‌هاست. توافق همزمان راه‌حلی برای معادلات مختلف قدرت است و به موجب آن دستیابی به هماهنگی ساختار انتظارات به دست می‌آید. در مرکز

---

<sup>۱</sup> bargaining

این ساختار انتظارات، حفظ وضع موجود یا انتظارات خاص در مورد حقوق و تعهدات قرار دارد (Rumme, 1981: 4-6). خلاصه اینکه به‌خاطر منازعه است که مذاکره صلح شکل می‌گیرد. اگر منازعه وجود نداشته باشد، مذاکره برای صلح معنای خود را از دست می‌دهد. ایجاد صلح از طریق مذاکره میان طرف‌های متخاصم یک رویکرد استاندارد برای چگونگی برخورد کشورهای جهان با منازعات پس از جنگ سرد بوده است. یکی از موردهایی که صلح از طریق مذاکره حاصل شده است پایان جنگ در بوسنی و هرزگوین بوده است که در سال ۱۹۹۲ شروع و در سال ۱۹۹۵ از طریق موافقت نامه دیتون<sup>۱</sup> خاتمه یافت.

مورد دوم توافق از طریق مذاکره در مورد جنگ شمال-جنوب سودان بود. توافق جامع صلح در ژانویه ۲۰۰۵ امضا شد و در نتیجه جنگی که از سال ۱۹۸۳ شروع شده بود را به پایان رساند. مورد سوم توافق صلح لیبریا بود که به جنگ داخلی این کشور که در سال ۱۹۹۹ شروع شده بود پایان داد. توافق جامع صلح مربوط به این کشور در اوت ۲۰۰۳ در آکرا پایتخت غنا امضا شد (<https://fa.wikipedia.org>). برنامه داده‌های منازعه اوپسالا، یعنی بخش تحقیق صلح و جنگ دانشگاه اوپسالا سوئد نشان داده است که ۱۲۸ جنگ کوچک و بزرگ در جهان در دوره ۲۰ ساله از ۲۰۰۸-۱۹۸۹ اتفاق افتاده است. اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به دلیل نگرانی‌های درون‌دولتی و عمدتاً در مورد کنترل بر دولت و یا بر قلمرو در داخل کشورها بوده است (UCDP data see [www.ucdp.uu.se](http://www.ucdp.uu.se)). همین برنامه گزارش داده است که پس از جنگ جهانی دوم ۱۷۵ پیمان صلح به نتیجه رسیده است. درحالی‌که بسیاری ممکن است به دلایل ذاتی یا به دلیل آغاز درگیری‌های مسلحانه جدید شکست خورده باشند، موارد دیگر توافق صلح پایدار بوده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت، یک سوم همه جنگ‌ها از طریق مذاکرات و به شیوه پایدار به پایان رسیده‌اند. در دوره ۲۰۰۴ - ۱۹۴۶، پیمان‌های صلح و آتش‌بس تقریباً شیوه‌های رایج پایان جنگ‌ها بوده است (Wallensteen, 2007:28). حال با توجه به سابقه مذاکرات صلح در جهان این

<sup>۱</sup> Dayton agreement

پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان به برقراری پیمان صلح در شبه جزیره کره نیز امید داشت؟ و چه چیزی پیمان‌های صلح از جمله پیمان احتمالی صلح کره را پایدار می‌سازد؟ اگرچه پاسخ به این پرسش‌ها از حوصله این مقاله خارج است، اما می‌توان گفت که کیفیت توافق صلح و مشروعیت و قانونی بودن توافق از مهم‌ترین عوامل پایداری توافق یا پیمان صلح می‌باشد (Bell, 2006: 373-412). از این رو نگارندگان برآنند با توجه به فقدان پیشینه تحقیقاتی در خصوص مذاکرات صلح کره، تحقیقی علمی و مستقل در این زمینه انجام دهند. این تحقیق می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی در این خصوص باشد.

#### ۱-۱- سابقه مذاکرات صلح شبه جزیره کره

اگرچه جنگ کره در سال ۱۹۵۳ با امضای آتش بس متوقف شد، اما به‌لحاظ تکنیکی تمام نشده است. آتش بس یا صلح موقت توسط فرماندهان نظامی و نه نمایندگان رسمی دولت‌ها امضا شد. صلح موقت سرحد نظامی ایجاد کرد و مکانیزمی برای مبادله زندانیان جنگ فراهم نمود. از آنجاکه کنار گذاشتن صلح موقت و ایجاد پیمان صلح، علاوه بر دو طرف منازعه نیاز به همراهی قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا، چین و روسیه دارد، در سال ۱۹۹۶ بیل کلینتون و کیم یونگ سام<sup>۱</sup> (۱۹۹۳-۱۹۹۸)، رؤسای جمهور وقت امریکا و کره جنوبی، به‌طور مشترک پیشنهاد کردند که امریکا، کره جنوبی و شمالی و چین حول معیارهای اعتمادسازی و توافق صلح، مذاکره کنند. بین سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ طرف‌ها شش بار با هم دیدار داشتند. مذاکرات توافق صلح به‌عنوان بخشی از مذاکرات شش جانبه در مورد برنامه هسته‌ای کره شمالی انجام می‌شد. آن‌ها گروه‌های کاری در مورد کاهش تنش و مکانیزم صلح برای شبه جزیره کره ایجاد کردند، با این حال این مذاکرات به دلیل رد تقاضای کره شمالی توسط امریکا به شکست انجامید. در این مقطع تقاضای کره شمالی این بود که امریکا سربازانش را از کره جنوبی خارج سازد. گفتگوها در سال ۲۰۰۳ با سرکار آمدن دولت

<sup>۱</sup> Kim Young-sam

روه مو هیون<sup>۱</sup> در کره جنوبی (۲۰۰۳-۲۰۰۸) مجدداً شروع شد و در سال ۲۰۰۹ در دوره ریاست جمهوری لی میونگ باک<sup>۲</sup> (۲۰۰۸-۲۰۱۳)، رئیس جمهور بعدی کره جنوبی، شکست خورد (Patrick, 2010:1-4). مذاکرات و رسیدن به توافق، اولویت اصلی رئیس جمهور کره جنوبی، روه مو هیون، بود. در این زمان برای روه، مون جائه‌این، رئیس جمهور فعلی کره جنوبی، به‌عنوان رئیس کارمندان خدمت می‌کرد و حضور وی تاثیر بسزایی در آغاز و تداوم گفتگوهای درون کره داشت. مذاکرات شش جانبه در دوره روه مو هیون که به‌غیر از دو کره، امریکا، چین، روسیه و ژاپن هم حضور داشتند، دو توافق جامع را ایجاد کرد. توافق مشترک<sup>۳</sup> ۲۰۰۵ و طرح عمل مشترک<sup>۴</sup> ۲۰۰۷. شش طرف یک توافق مشترک را مطرح کردند و اصولی را برای دستیابی به خلع سلاح شبه جزیره کره بیان نمودند. در این توافق، کره شمالی موافقت کرد همه تسلیحات هسته‌ای و برنامه‌های هسته‌ای خود را کنار بگذارد. بیانیه توافق مشترک، شامل وعده‌هایی از جمله تهیه راکتورهای آب سبک و سایر کمک‌های مربوط به انرژی به کره شمالی، تضمین‌های امنیتی امریکا، عادی سازی روابط دیپلماتیک بین کره شمالی با ایالات متحده و ژاپن بود. بعد از یک سال، شش طرف در فوریه ۲۰۰۷ در مورد طرح عملیات خلع سلاح به توافق رسیدند تا فاز اولیه ۶۰ روزه برای بیانیه مشترک ۲۰۰۵ را شروع کنند. کره شمالی موافقت کرد همه تجهیزات هسته‌ای خود را از کار ببندازد و یک اعلامیه کامل از کل برنامه هسته‌ای خود ارائه کند و در عوض تحویل آب سنگین این کشور، قانون تجارت انرژی امریکا تصحیح و تعیین کره شمالی به عنوان دولت حامی تروریسم حذف شود (Koreatimes, 2013:2-5). ایالات متحده به‌طور جداگانه پیونگ یانگ را مطمئن کرد که سرمایه‌های کره شمالی را باز خواهد گرداند. نماینده امریکا، کریس هیل، در فوریه ۲۰۰۸ گفت: کمیته روابط خارجی سنا ایالات متحده علاقمند است مباحث توافق صلح را صرفاً بعد از اینکه کره شمالی در اجرای توافق شش جانبه ۲۰۰۵ پیشرفت نمود، دنبال

<sup>1</sup> Roh Moo-hyun

<sup>2</sup> Lee Myung-bak

<sup>3</sup> Joint agreement

<sup>4</sup> Joint Action Plan



کند(3-2: Victor, 2011). گرچه گفتگوهای رسمی در مورد پیمان صلح اتفاق نیفتاد؛ دولت جورج بوش متعهد شد در گفتگوهای گسترده میان سازمانی بر سر آنچه اهداف امریکا محسوب می‌شد مذاکرات شروع شود. با این حال دولت بوش بر آن بود که هیچ پیمانی بدون پیشرفت خلع سلاح منعقد نشود(5-4: Christopher, 2017).

در اکتبر ۲۰۰۷ کره شمالی و جنوبی یک نشست برگزار کردند. رئیس جمهور فعلی مون، به عنوان رئیس کارمندان روه مو هیون به ترتیب دادن نشست کمک کرد. دو رهبر در خصوص نیاز به پایان مکانیزم صلح موقت فعلی و ایجاد مکانیزم صلح دائمی توافق نمودند. در آخر روه مو هیون و کیم جونگ ایل موافقت کردند تا مذاکرات چهارجانبه (دو کره و چین و امریکا) را شروع نمایند (6-5: Christopher, 2017). با این حال هیچ یک از این مذاکرات به خاطر شکست مذاکرات شش جانبه در سال ۲۰۰۹ به ثمر ننشستند<sup>۱</sup>. از سوی دیگر چین به عنوان بخشی از توافق صلح موقت ۱۹۵۳ انتظار داشته است که همواره نقش اصلی را در هر تلاشی برای ایجاد توافق صلح شبه جزیره کره ایفا کند. در آخرین دیدار کیم جونگ ایل از بیجینگ<sup>۲</sup> نهایت تلاش خود را با پوشش رسانه‌ای بسیار گسترده انجام داد تا به ناظران بین‌المللی و داخلی نشان دهد که چین و کره شمالی در راستای منافع شان می‌خواهند روابطشان را بازسازی نمایند و مهمتر اینکه چین نقش قطعی را در هر فرایند دیپلماتیک برای تعامل با شبه جزیره کره بازی می‌کند. شی جین پینگ<sup>۳</sup> دولتمرد کهنه کار و سالخورده است و بیجینگ به نظر می‌رسد تلاش دارد تا هر نوع گمانه‌زنی مبنی بر اینکه ترامپ و کیم می‌توانند بدون چین به توافق بزرگ دست یابند را باطل سازد (7-4: Christopher, 2017). در این راستا بیجینگ تلاش کرده است به عنوان بازیگر اصلی در حوادث شمال شرق آسیا عمل کند (The).

<sup>۱</sup> مذاکرات شش جانبه بیجینگ میان شش کشور روسیه، چین، کره شمالی، کره جنوبی، ژاپن و آمریکا برای پایان دادن به برنامه سلاح های اتمی کره شمالی از سال ۲۰۰۳ میلادی در بیجینگ آغاز شد و بعد از چند دور برگزاری به دلیل اختلافات شدید آمریکا و کره شمالی بدون نتیجه رها شد.

<sup>۲</sup> تلفظ صحیح از پایتخت چین است که از سال ۱۹۷۹ به جای واژه استعماری پکن (Peking) مورد استفاده دولت این کشور و جهان قرار گرفته است (شاهنده و طاهایی، ۱۳۸۳، ص ۱۵)

<sup>۳</sup> Xi Jinping

(Washington Times Weekly, 2018)؛ ازسویی واشنگتن نیز به همکاری چین، روسیه، ژاپن و کره جنوبی نیاز دارد تا چالش سلاح هسته‌ای کره شمالی در مسیر صلح آمیز، حل و فصل گردد. چین از مذاکرات به شیوه دوگانه حمایت می‌کند به ترتیبی که یک دسته از مذاکرات بر جایگزین کردن توافق آتش‌بس با یک پیمان صلح دائمی متمرکز باشد و دیگری بر خلع سلاح (Victor, 2011:2-5). ایده مذکور در سال ۲۰۱۶ توسط وزیر خارجه چین وانگ یی<sup>۱</sup> پیشنهاد داده شد. اما در سال‌های گذشته با افزایش تدریجی شدت و وسعت آزمایش هسته‌ای و ریسک‌پذیری چشمگیر کیم جونگ اون، موضع اصلی چین به امریکا نزدیک‌تر شده است. درحالی‌که چین تمایل داشت خلع سلاح را به‌عنوان سومین اولویتش در شبه جزیره بعد از اولویت اول ثبات و دوم صلح در نظر بگیرد؛ اما مقامات ارشد سیاست خارجی چین تشخیص دادند که نه ثبات و نه صلح وجود نخواهد داشت مگر اینکه کیم جونگ اون به‌طور کامل خلع سلاح شود. البته هنوز تفاوت‌های مهم بین مواضع چین و امریکا وجود دارد.

ایالات متحده معتقد به گشایش اقتصادی و برداشتن تحریم‌ها بعد از خلع سلاح کامل کره شمالی است؛ اما چین معتقد است کیم جونگ اون باید گام به گام امتیازات و سودمندی‌هایی دریافت کند تا به سمت دیپلماسی حرکت کند و قطعنامه‌ها کاهش یابد تا پیام قدردانی از آمدن کیم به پای میز مذاکره را نشان دهد (Bonnie, 2018: 1-4). در ۳۰ جولای ۲۰۱۷، وزیران امور خارجه چین و روسیه، بیانیه الحاق به مسئله شبه جزیره کره را تنظیم کردند. آن‌ها نقشه راهی برای اینکه مذاکرات چگونه پیش رود، تهیه و پیشنهاد دادند که کشورهایی که با هم در ستیز هستند؛ مذاکرات را با تأکید بر اصول مشترک در روابطشان از جمله عدم استفاده از زور، خودداری از تجاوز، همزیستی مسالمت‌آمیز و تعیین آن چیزهایی که می‌تواند برای خلع سلاح شبه جزیره کره انجام شود، شروع کنند. هدف مذاکراتی که آن‌ها پیشنهاد کردند عادی‌سازی روابط میان طرف‌هایی است که این پروسه را دنبال می‌کنند؛ زیرا انتظار این بود نتیجه مذاکرات به ایجاد مکانیزم‌های صلح و امنیت برای

<sup>۱</sup>Wang Yi

شبه جزیره کره و شمال شرقی آسیا کمک کند. بنابراین در ۵ آوریل ۲۰۱۸ در نشست وزرای خارجه روسیه و چین، سرگی لوروف و وانگ یی، از بهبود وضعیت شبه جزیره کره استقبال کردند. وانگ یی تقاضای چین برای یک رویکرد مذاکره به دو شیوه را احیا کرد. وانگ یی گفته است باید پذیرفت رویکرد صلح بر خلع سلاح استوار شده است ( Kelly, 2013a: 5-7). از این رو تلاش‌ها برای تداوم مذاکرات صلح شبه جزیره کره؛ سبب شد تا اکنون شاهد آن باشیم که تحولات سیاسی دو کره با طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره وارد مرحله جدیدی شود.

#### ۱-۲- ابتکار صلح شبه جزیره کره: دکترین برلین مون جائه‌این

از زمان آغاز تقسیم کره در سال ۱۹۴۸ دستیابی به وحدت دو ملت مهمترین هدف برای حکومت کره جنوبی بود. تا اواخر دهه ۱۹۸۰، رویکرد مسلط، اتحاد از طریق زور بود و ایده اتحاد، مبتنی بر پیروزی قاطعانه کره جنوبی بر کره شمالی بود. تحت تاثیر این رویکرد که برای کره شمالی بسیار تحقیرآمیز بود، فضایی برای تعهد یا حتی شناسایی مشروعیت طرف دیگر وجود نداشت. دموکراتیزه شدن کره جنوبی، گفتمان سیاسی اتحاد و روابط درون کره را تغییر داد. سیاست کیم دای جونگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۸-۲۰۰۳)، نسبت به کره شمالی به "سیاست شفاف" معروف شد و سپس توسط جانشین او روه مو هیون تا سال ۲۰۰۸ ادامه پیدا کرد (Dae-jung, 2000:1-3). این دیدگاه به اولویت اتحاد، آشتی فوری و تعهد تأکید داشت. دوره سیاست شفاف با بازگشت حزب محافظه‌کار به قدرت در کره جنوبی به پایان رسید. اگرچه تحت رهبری لی میونگ باک<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۳ نیز رفتار متقابل و تمرکز بر مسئله هسته‌ای مورد توجه قرار گرفت؛ اما در مجموع در طول دهه گذشته روابط درون کره به پایین‌ترین سطح خود رسید و منازعات نظامی ایجاد شد. با به قدرت رسیدن مون جائه‌این، رئیس جمهوری فعلی کره جنوبی، مجدداً مذاکره صلح مورد توجه قرار گرفت. مون، با روی کار آمدن در ماه می ۲۰۱۷ پیامی به کره شمالی فرستاد و خواستار تجدید روابط

<sup>1</sup> Kim Dae-jung

<sup>2</sup> Lee Myung bak

درون کره شد. مون بدنبال آن است که پیوندهای دو کره را از طریق توسعه اقتصادی، مبادلات فرهنگی و گردشگری تقویت کند. در حالی که رویکرد او به خاطر تساهل زیاد مورد انتقاد واقع شده؛ اما در مجموع حامیان عمومی قوی دارد (Meiers, 2011: 5-7).

همانطور که اشاره شد نشست‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷، که مون به عنوان رئیس کمیته آماده سازی این نشست‌ها سهمی قابل توجه در برگزاری آنها داشت، منجر به پایان یک دوره طولانی منازعه میان دو کره و آغاز دور جدید گفتگوها شد. این دستاوردها سبب شد مون جئائه‌این، برای پی‌ریزی طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره مصمم‌تر شود. المپیک زمستانی ۲۰۱۸ در پیونگ کینگ نقطه عطفی را برای گشودن پنجره گفتگو بین دو کره فراهم ساخت. مون موفق شد روابط درون کره را از طریق حمایت و همکاری جامعه بین‌المللی به سطح جدیدی برساند. مون اعلام کرد که برای تحقق این هدف به واشنگتن، بیجینگ، توکیو و حتی پیونگ یانگ سفر خواهد کرد. مون در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۸ در سخنرانی سال جدید بیان کرد: می‌خواهد تلاش کند امسال شروع جدید برای صلح شبه جزیره کره باشد. در این فرایند او در تلاش است به‌طور نزدیک با کشورهای مرتبط از جمله امریکا، چین، ژاپن و بقیه جامعه بین‌المللی همکاری کند (Inter-Korean Summit, 2018b). در برلین در ۲۷ جولای ۲۰۱۷ رئیس‌جمهور مون، ابتکار صلح شبه جزیره کره را به‌عنوان تداوم سیاست گرم و صمیمانه و اشتیاق به بازگشت روابط صلح‌آمیز درون کره و حفظ اصول اعلامیه مشترک نشست ۲۰۰۰ و اعلامیه نشست ۲۰۰۷ مطرح کرد. انتخاب برلین از سوی مون جئائه‌این، برای اعلام طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره نیز، دلایل تاریخی و سمبلیک دارد. اتحاد آلمان محرک سیاستمداران کره‌ای برای نزدیک شدن به مسئله وحدت بوده است و درس‌هایی از تجربه آلمان گرفته شده است. در ابتدا بر اساس تجربیات آلمان، مون اتحاد را به عنوان یک فرایند نسبت به یک هدف تعریف کرد که مستلزم تداوم و پیوستگی در سیاست‌های تعهد و همکاری با وجود تغییر در سیاست داخلی است. ابتکار صلح شبه جزیره کره، پنج خط سیاسی و اهداف گسترده سیاست مون، را نسبت به کره شمالی نشان می‌دهد. اولین مورد، فشار جدی برای دستیابی به صلح در شبه

جزیره کره می‌باشد. به‌عنوان تضمین به پیونگ یانگ، مون به رؤسای جمهور سابق کره جنوبی که ابتکار صلح شبه جزیره کره را پایه‌گذاری کردند، اشاره و تاکید می‌کند: هیچ‌کدام از آن‌ها از زور استفاده نکردند، آرزوی سرنگونی یا تغییر رژیم کره شمالی را نداشتند و اتحاد شبه جزیره کره را از طریق فریب و یا به شیوه مصنوعی نخواستند (Jae-in, 2017). دوم، بر خلع سلاح شبه جزیره کره با پیشنهاد رویکرد گام به گام و رویکرد جامع برای یافتن یک راه حل در مورد مسئله هسته‌ای تمرکز دارد.

چنین رویکردی مبتنی بر این اعتقاد است که مسئله هسته‌ای نمی‌تواند بدون توجه به موضوع بزرگتر نگرانی‌های امنیتی کره شمالی و انزوای دیپلماتیک آن کشور حل شود. رویکرد گام به گام با توقف آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای شروع می‌شود و با از بین بردن برنامه هسته‌ای کره شمالی تمام می‌شود. طرح جامع تلاش می‌کند انزوای دیپلماتیک پیونگ یانگ را از طریق بهبود روابط با ژاپن و امریکا پایان دهد. سومین مورد، نهادینه‌سازی فرآیند صلح در روابط درون کره است. مون پیشنهاد کرد توافقات درون کره تبدیل به قانون شود تا تداوم فرآیند تعهد و پایداری دستاوردهای گذشته را تضمین کند. چهارم، پیشرفت در همکاری اقتصادی تابع پیشرفت در مورد مسئله هسته‌ای است. پنجمین مسئله، تفکیک مسائل و مبادلات غیرسیاسی بین دو کره از مسائل سیاسی و نظامی است. برای شروع فرایند صلح، رئیس جمهور مون ضرورت بازسازی اعتماد و کانال‌های ارتباطی را مطرح کرده است (Jae-in, 2017:2-4). در مجموع به نظر می‌رسد، اولین هدف این سیاست حل مسئله هسته‌ای کره شمالی و ایجاد صلح دائمی است.

## ۲. ویژگی‌های طرح ابتکار صلح مون جائه‌این

طرح مون جائه‌این برای شبه جزیره کره شامل سه هدف، چهار استراتژی و پنج اصل در چارچوب دیدگاه همزیستی مسالمت‌آمیز و رفاه اجتماعی است. دیدگاه مون مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز و رفاه اجتماعی است. اهداف سه‌گانه مورد نظر مون جائه‌این عبارتند

از: ۱- حل و فصل مسئله هسته‌ای کره شمالی و ایجاد صلح پایدار؛ ۲- توسعه پایدار روابط درون کره؛ و ۳- ایجاد جامعه اقتصادی جدید در شبه جزیره کره. استراتژی چهارگانه طرح مون عبارتند از: ۱- اتخاذ رویکرد گام به گام جامع؛ ۲- توجه همزمان به مسائل درون کره و تهدید هسته‌ای کره شمالی؛ ۳- تضمین پایداری از طریق نهادینه‌سازی و ۴- پایه‌گذاری اتحاد صلح‌آمیز از طریق همکاری سودمند متقابل. اصول پنج‌گانه طرح وی نیز عبارتند از: به دست گرفتن ابتکار عمل در حل مسائل شبه جزیره کره؛ حفظ صلح با دفاع قوی از آن؛ تقویت روابط درون کره براساس احترام متقابل؛ تمرکز بر کنش متقابل با مردم و رسیدن به توافق؛ و اجرای سیاست‌ها از طریق همکاری بین‌المللی می‌باشد (Congressional research service, 2018). در این طرح، دیدگاه‌ها، اهداف، استراتژی‌ها و اصول در اصل با یکدیگر در ارتباط هستند. به‌طور خاص اهداف سه‌گانه مطروحه به‌خوبی عزم ایجاد شبه جزیره صلح‌آمیز و رفاه اجتماعی را منعکس می‌کنند. بطوریکه نشست درون کره در سال ۲۰۱۸، به‌عنوان پایه‌ای اساسی برای اجرای اهداف سه‌گانه می‌تواند عمل کند. هدف اول، به انتظار برای حل صلح‌آمیز مسئله هسته‌ای کره شمالی و ایجاد صلح پایدار در شبه جزیره کره مربوط می‌شود. هدف دوم، پیشرفت پایدار روابط درون کره و تلاش برای تداوم توافقات درون کره از قبیل اعلامیه مشترک ۴ ژوئیه کره شمالی و جنوبی، توافق آشتی، عدم تجاوز، مبادلات و همکاری، اعلامیه مشترک ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ کره شمالی و جنوبی و اعلامیه ۴ اکتبر ۲۰۰۷ و ارتقاء آن‌ها به درجه عالی است. هدف سوم، ایجاد فواید متقابل از طریق همکاری اقتصادی بین دو کره و ایجاد جامعه اقتصادی جدید است که همزیستی و رفاه اجتماعی دو کره را تضمین کند. (Kelly, 2010: 8-11). در نتیجه در مذاکرات ژانویه ۲۰۱۸، دو کره در مورد خلع سلاح شبه جزیره کره اعلامیه مشترک امضا کردند (Join Declaration of the Denuclearization of the Korean Peninsula, 2018).

هدف این بود خطر جنگ هسته‌ای را از طریق خلع سلاح شبه جزیره برطرف کنند؛ شرایط و محیط مناسب برای صلح شبه جزیره کره ایجاد کنند و به صلح و امنیت آسیا و

جهان کمک کنند. در نشست‌های گذشته وقتی مقامات کره جنوبی به موضوع خلع سلاح اشاره می‌کردند؛ مقامات کره شمالی قویاً بر علیه آن اعتراض می‌کردند و ادامه هر نوع بحث در مورد آن را متوقف می‌نمودند اما در طول مذاکراتی که در سطح مقامات رده بالای درون کره برگزار شد، از این اعتراض‌ها خبری نبود. گرچه به‌طور کامل نمی‌توان خوشبین بود چراکه احتمال ضعیفی وجود دارد کره شمالی توقف و بویژه حذف کامل برنامه هسته‌ای خود را به آسانی بپذیرد؛ اما وقتی که هیأت کره جنوبی از کره شمالی دیدار کرد، کیم جونگ اون تعهدش را برای خلع سلاح و اراده‌اش را برای مذاکره با امریکا برای پایان دادن به تنش‌ها بیان نمود (Rick, 2018: 1-5). از این رو مون تلاش کرده است بیجینگ را ترغیب کند و روابط کره جنوبی را با ژاپن بهبود بخشد تا از این طریق اجرای استراتژی درون کره خود را تسهیل کند. به‌رحال او مجبور است بمنظور همراهی با افکار عمومی داخلی، درخصوص هر نوع سازش گسترده با چین و یا تقویت همکاری امنیتی سه جانبه کره جنوبی، امریکا و ژاپن احتیاط نماید. درواقع مون خطر پیچیده شدن روابط خود با امریکا، چین و ژاپن را افزایش داده و همزمان از آن‌ها می‌خواهد حمایت دیپلماتیک بیشتری به عمل آورند تا صلح شبه جزیره کره به نتیجه برسد (USIP Senior Study Group Report, 2019: 15-20).

۲-۱- اعلامیه نشست درون کره ۲۷ آوریل ۲۰۱۸

در راستای عملیاتی کردن طرح خود، مون جائه این موفق شد در ۲۷ آوریل ۲۰۱۸ اعلامیه‌ای را به امضا همتای شمالی خود برساند که به "اعلامیه صلح پانمونجوم" مشهور است. مون جائه‌این و کیم جونگ اون به‌طور رسمی اعلام کردند برای ۸۰ میلیون مردم کره و کل جهان جنگ بیشتری در شبه جزیره کره وجود نخواهد داشت و بنابراین یک دوره جدید از صلح شروع شده است. به‌رحال در فضای تهدیدات ایجاد شده در سال ۲۰۱۷ توسط امریکا برای شروع یک جنگ پیشگیرانه به‌خاطر خلع سلاح اجباری کره شمالی، ممکن است این اظهارات، مهمترین اظهارات بیان شده تا این زمان باشد. درواقع نشست پانمونجوم، اگرچه

سومین نشست درون کره بود<sup>۱</sup>؛ اما اولین بار بود که رهبر کره شمالی پایش را در خاک کره جنوبی نهاد و با ایستادن در جلوی دهکده پانمونجوم «خانه صلح»، در کنار همتای جنوبی خود انگیزه‌شان را برای اینکه جنگ بیشتر نباشد، اعلام کردند و برای خلع سلاح کامل شبه جزیره کره در یک شیوه فزیندی شده موافقت کردند. کیم جونگ اون و مون جائه‌این همچنین شماری از دیگر فعالیت‌ها از جمله: پایان دادن به خبرگزاری‌های تبلیغاتی و پخش اعلامیه در طول مرزها، ایجاد اداره همبستگی دو کشور و برگزاری مذاکره چهارجانبه با آمریکا و چین را مطرح کردند و متعهد شدند که دو کشور دیدارهای خانوادگی را از ۱۵ اوت احیاء نمایند و در نهایت منطقه غیرنظامی را به منطقه صلح تبدیل سازند (Inter-Korean Summit Preparation Committee, 2018).

در بخش ۳ و ۴ اعلامیه پانمونجوم، معیارهایی توسط کره شمالی مطرح شده بود که خیلی معنادار هستند و برای خلع سلاح شبه جزیره حیاتی‌اند و کره شمالی و جنوبی موافق هستند تا نقش‌ها و مسئولیت‌های‌شان در این رابطه را بپذیرند. اعلامیه به‌طور موثر آمریکا را مورد خطاب ضمنی قرار داده است که کره جنوبی با شروع جنگ یکجانبه آمریکا علیه کره شمالی موافقت ندارد (Inter-Korean Summit Preparation Committee, 2018). بخش ۴ اعلامیه شامل عبارت "تعهد به پایان رسم‌های گذشته"، از جمله تقسیم دو کره و تقابل و منازعه است. از سویی در اعلامیه، اعلان صریح کره شمالی و جنوبی این است که "نه آمریکا و نه چین دستورالعمل کره را کنترل نخواهند کرد (Inter-Korean Summit Preparation Committee, 2018). ذکر این عبارت باعث شگفتی و نگرانی واشنگتن، بیجینگ و حتی مسکو شده است چراکه بیم آن می‌رود که این دست مذاکرات آنها را با چالش کره متحد و قدرتمند مواجه سازد و توازن قوا در آسیا و البته جهان را برهم زند. درحالی‌که حفظ وضع موجود در کره (کره تقسیم شده)، همچنان نیروی نظامی آمریکا را از مرز چین دور نگه می‌دارد و کره شمالی را تا حدودی وابسته به چین، و کره جنوبی را

<sup>۱</sup> همانطور که از نظر گذشت نشست های قبل از آن در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ اتفاق افتاد.



وابسته به نیروی نظامی امریکا نگه خواهد داشت. علاوه بر این در متن اعلامیه آمده است که این دولت‌ها موافق اجرای کامل همه توافقات موجود و اعلامیه‌های پذیرفته شده بین دو طرف هستند. این نحوه بیان، کاملاً مهم است. "اجرای کامل" بر تعهد وسیعتر دلالت دارد. عبارت "همه توافقات موجود و اعلامیه‌های پذیرفته شده بین دو طرف" شامل اعلامیه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ نیز شده است. بنابراین اقدامات کره شمالی و جنوبی نسبت به اجرای توافقات قبلی‌شان، عامل مهمی در نقض سیاست منزوی کردن کره شمالی توسط امریکا و اعمال حداکثر فشار اقتصادی می‌باشد. برخی از جزئیات اعلامیه پانمونجوم نیز قابل توجه است: براساس بخش ۱-۵- دولت‌های کره شمالی و جنوبی موافقت کردند تا مسائل حقوق بشری را به سرعت حل کنند. از این‌رو تلاش شد نشست صلیب سرخ درون کره را برگزار کنند و موضوعات مختلف از جمله گردهمایی خانواده‌های جدا شده ناشی از جنگ کره را مورد بحث قرار دهند و حل و فصل کنند. بخش دوم تنش‌های نظامی و خطرات جنگ را مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو بخش ۲-۱- بر تعهدات برای توقف همه عملیات دشمنی علیه یکدیگر در هر حوزه دلالت دارد و همچنین شامل تعهد برای بازگشت به منطقه صلح می‌شود. بخش ۲-۲- ممانعت از درگیری‌های تصادفی و ایجاد منطقه صلح دریای غربی، جایی که ماهی‌گیران به خاطر دخالت گشت‌های نظامی رنج می‌برند، را مطرح کرده است (joint declaration issued at inter-Korean summit, 2018). توضیح اینکه، این گام برای پایان دادن به دشمنی‌ها و ایجاد اعتماد نظامی سودمند برای شهروندانی که در منطقه زندگی می‌کنند، ضروری است. بخش ۲-۳- تعهدات دو طرف برای نخستین گردهمایی مذاکرات نظامی در سطح عمومی را بیان می‌کند. این گام مهمی است که درجه جدیت اعتمادسازی نظامی و کاهش تنش‌ها را نشان می‌دهد (Guen-Hye, 2014:1-3). بخش ۳-۱- ناظر بر تعهدات کره شمالی و جنوبی برای پایان دادن به وضعیت غیرطبیعی آتش‌بس و ایجاد رژیم صلح دائمی است. بخش ۳-۲- شرایط خلع سلاح که در یک شیوه‌فازبندی شده ایجاد خواهد شد را مطرح می‌کند و از طریق آن تنش نظامی

کاهش می‌یابد (joint declaration issued at inter-Korean summit, 2018). این ماده در تضاد با سیاست امریکاست که به‌طور شفاف خلع سلاح کامل و فوری تسلیحات هسته‌ای کره شمالی را تقاضا می‌کند. اگر امریکا بتواند شیوه‌ای را بیابد تا این فرایند فزاینده‌ای شده را بپذیرد، اهمیت عمده خواهد داشت. به نتیجه نرسیدن مذاکرات ترامپ و کیم در سال گذشته نیز اهمیت این موضوع را دوچندان می‌سازد. ایالات متحده هرگز تمایل به درک وضعیت ناامنی خیلی جدی کره شمالی را نداشته است و به جای آن تلاش داشته کره شمالی را از طریق تهدیدات و تنبیهات کنترل کند. کره جنوبی نیز نگرانی‌های امنیتی مشروعی دارد که کره شمالی مجبور خواهد شد در فرایند ایجاد صلح، آن‌ها را مورد توجه قرار دهد. ظاهراً کره شمالی و جنوبی قصد دارند فرایند مذاکره را شروع کنند و صرفاً بعد از اینکه دریابند که امریکا و چین موافق هستند، آن‌ها را وارد پروسه مذاکره کنند. بعلاوه بخش ۳-۲- آنچه تحت عنوان "گام‌های اعتمادسازی" مطرح شده است را تعیین نکرده است. مشخص ساختن این‌ها، اهمیت حیاتی برای انجام کار دارد. بخش ۳-۳- به تعهدات دو کره برای پیگیری مذاکرات سه جانبه (کره شمالی، کره جنوبی و امریکا) و یا چهارجانبه (چین، امریکا، و دو کره) پایان جنگ و ایجاد رژیم صلح دائمی و مستحکم مربوط می‌شود. البته نامشخص است که چرا اعلامیه، گزینه چهارجانبه و سه جانبه را برای این نشست پیشنهاد می‌کند؛ گرچه فرمول مشابه این در اعلامیه ۲۰۰۷ استفاده شده است. بخش ۳-۴- تأکید مجدد بر هدف مشترک، یعنی «شبه جزیره کره بدون تسلیحات هسته‌ای» است (joint declaration issued at inter-Korean summit, 2018). این هدف بیان شده حتی اگر یک آرزوی بلند مدت باشد؛ برای آینده اتحاد کره جنوبی - امریکا تأثیر مهم خواهد داشت. مشاور امنیت ملی کره جنوبی، چانگ اوی یانگ، همواره تأکید دارد که اگر تهدید برای کشورش از بین برود می‌تواند درباره حضور نظامی امریکا انعطاف پذیرتر برخورد کند (Joint declaration issued at inter-Korean summit, 2018). نکته مهم در بررسی این اعلامیه، روند تحقق صلح مورد نظر آن است. با وجود تعهدات مذکور، دو کره

بایستی طرف‌های باقی‌مانده آتش‌بس موقت را قانع کنند تا قادر باشند صلح را ایجاد کنند. چین و آمریکا از مهم‌ترین این کشورها هستند که هریک منافع خاص خود را دارند. آمریکا و چین هر دو می‌خواهند کره شمالی تسلیحات هسته‌ای خود را کاملاً واگذار کند تا دوباره نتوانند برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را شروع کند و در تئوری هر دو قدرت خواسته مشترکی در این زمینه دارند، اما چین نمی‌خواهد کره شمالی تحت نفوذ کره جنوبی و یا آمریکا باشد؛ زیرا کره شمالی متحد سنتی چین است و همچنین یک دولت حائل بین چین و کره جنوبی و همچنین آمریکا محسوب می‌شود. هر چند چین می‌خواهد کره شمالی تسلیحات هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اما فوریتی که مدنظر آمریکا است را در نظر ندارد؛ زیرا کره شمالی چین را تهدید نمی‌کند؛ اما آمریکا و کره جنوبی را تهدید می‌کند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد چین از آشتی کامل آن‌ها حمایت نمی‌کند. چین تمایل دارد تنش بین دو کره و آمریکا کاهش پیدا کند؛ اما تمایل به نزدیکی زیاد کره شمالی به آن‌ها را ندارد.

#### ۲-۲- نشست پیونگ یانگ

نشست پیونگ یانگ نیز مانند نشست پانمونجوم درباره توافق صلح درون کره بود. با وجود نگرانی‌های آمریکا در مورد نقض قطعنامه‌های موجود علیه کره شمالی، دو کره دفتر ارتباطی مشترک را راه اندازی کردند. در نگاه اجمالی به اعلامیه پیونگ یانگ با توجه به شکوه نشست پیونگ یانگ در ماه سپتامبر ۲۰۱۸، اگرچه به نظر می‌رسد این اعلامیه پایه جدیدی در روابط درون کره ایجاد می‌کند؛ اما در یک نگاه دقیق‌تر به اعلامیه، درمی‌یابیم که اعلامیه پیونگ یانگ نیز مانند اعلامیه پانمونجوم به بزرگ‌نمایی تعهدات صلح و کاهش تنش اکتفا کرده و چگونگی آن را مطرح نکرده است. برای نمونه، چگونه کره شمالی از قطعنامه‌های سازمان ملل اجابت کند و یا چگونه تعهدات خلع سلاحش را براساس توافقات بین‌المللی اجرا کند؟ اشاره‌ای نشده است (Klingner, 2018:1-2). سند امضا شده در اعلامیه پیونگ یانگ نیز فاقد جزئیاتی در مورد برنامه هسته‌ای کره شمالی است و یک جدول زمانی برای برچیدن تسلیحات هسته‌ای و همچنین شفاف‌سازی دیگر سایت‌های موشکی تعیین نشده

است. کیم همچنین توضیح نداده است که چه اقداماتی از کاخ سفید درخواست می‌کند. این در حالی است که از نظر تحلیل‌گران بسیار غیرمحمتمل است که واشنگتن امتیازی به پیونگ یانگ قبل از حرکت عمده این کشور به سمت خلع سلاح اعطا کند (Panda, 2018a:1-2). در واقع کره شمالی در نشست پیونگ یانگ خواهان پیگیری تعهدات اقتصادی بود. از سویی کره جنوبی اعلام نموده که تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا همه تعهدات بین دو کره انجام شود؛ مگر آن‌هایی که توسط سازمان ملل ممنوع شده است. بنابراین تعهدات اقتصادی کره جنوبی به کره شمالی تا زمانی که پیشرفت‌هایی در خلع سلاح کره شمالی صورت نگیرد، اجرا نخواهد شد. از سوی دیگر، کره شمالی توقف آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی خود را در این مرحله کافی دانسته و بر آن است تا در عوض آن امتیازاتی مانند پیمان صلح و کاهش تحریم‌ها را بگیرد و بعد از دریافت این امتیازات روند خلع سلاح را آغاز نماید؛ اما این دیدگاه تاکنون مورد پذیرش واشنگتن واقع نشده است. این اختلاف نظرها یکی از چالش‌های اساسی دستیابی به پیمان صلح می‌باشد. بنابراین اگر فرض بگیریم که اعلامیه پیونگ یانگ برای روابط پیونگ یانگ با جامعه بین‌المللی مثبت بوده است، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا امریکا، کره شمالی و کره جنوبی به‌طور موفقیت‌آمیز در مورد صلح شبه جزیره کره مذاکره می‌کنند؟ و اگر مذاکره می‌کنند این مذاکره چگونه خواهد بود؟ بعد از سومین و طولانی‌ترین اجلاس درون کره و نشست‌های دوجانبه کیم جونگ اون و ترامپ در سال گذشته، به نظر می‌رسد پتانسیل صلح در شبه جزیره کره حداقل بیشتر از گذشته است.

### ۲-۳ چشم‌انداز صلح شبه جزیره کره

همانطور که مطرح شد مون جائه‌این، نقش اصلی را در فرایند مذاکرات در دو سال گذشته برعهده داشته است. از دیدگاه وی حمایت از توسعه اقتصادی کره شمالی، به آوردن رژیم صلح گسترده‌تر در شبه جزیره کره کمک می‌کند. در چنین وضعیتی پیونگ یانگ ممکن است دریابد که ادغام اقتصادی با کره جنوبی بازدارندگی هسته‌ای‌اش را غیرضروری می‌سازد. چنانکه

رهبران سابق لیبرال کره جنوبی نیز مذاکرات و مبادلات اقتصادی را به‌عنوان بهترین شیوه برای دستیابی به نتیجه می‌نگریستند (Panda, 2018c:2-5). در واقع همانند سایر نظام‌های غیردموکراتیک، دلیل اصلی برنامه موشکی و هسته‌ای کره شمالی، بقای نظام سیاسی این کشور است. در دهه‌های اخیر کره شمالی بازدارندگی هسته‌ای را به‌عنوان تنها تضمین واقعی در مقابل تغییر رژیم خود می‌بیند. سرنوشت صدام حسین در عراق و قذافی در لیبی برای کیم آموخته بوده است. از دیدگاه پیونگ یانگ، دو رهبر مذکور از قدرت کنار گذاشته شدند و سرانجام توسط مردم خودشان کشته شدند؛ زیرا تسلیحات هسته‌ای و دیگر تسلیحات کشتار جمعی نداشتند. اما یک مسیر بالقوه دیگر برای بقای رژیم کره شمالی وجود دارد. پیشرفت و توسعه اقتصادی، کره شمالی را به‌عنوان شریک برابر به جامعه بین‌المللی می‌شناساند و همچنین قدرت کیم جونگ اون را تضمین می‌کند. نمونه‌هایی مانند چین و ویتنام وجود دارد که ایالات متحده دشمنی خود را با آن‌ها کنار گذاشته و با آن‌ها همکاری می‌کند. اما اینکه آیا پیونگ یانگ به توافق در مورد خلع سلاح پایبند می‌ماند یا خیر پرسشی است که پاسخ به آن به راحتی ممکن نیست. سناریو ایده‌آل برای کره شمالی این است که بازدارندگی هسته‌ای کره شمالی حفظ شود؛ تحریم‌های هسته‌ای به تدریج حذف شود؛ جریان سرمایه به داخل کره شمالی افزایش پیدا کند و سرانجام کره شمالی هند و یا پاکستان جدید شود. برای امریکا اولویت اصلی خلع سلاح شفاف، کامل و تأییدشده کره شمالی است، اما راه دستیابی به این هدف طولانی است. بنابراین واشنگتن ناچار است به اهداف کوتاه مدت متوسل شود. از این رو به نظر می‌رسد امریکا مسئله هسته‌ای کره شمالی را به روابط با چین پیوند زده است که شامل جنگ تجاری در حال جریان بین واشنگتن و بیجینگ می‌شود. علاوه بر این دولت امریکا نمی‌خواهد حتی اگر روابطش با کره شمالی بهبود یابد اتحادش با کره جنوبی را از بین ببرد. با توجه به این طیف وسیع از منافع، و ازسویی توقف نشست‌های دوجانبه ترامپ و کیم، که در دو سال گذشته در صدر اخبار جهانی قرارداداشت، هنوز مشخص نیست که آیا واشنگتن مایل به ارائه مشوق‌های واقعی به پیونگ یانگ برای دستیابی به خلع سلاح کامل کره شمالی هست یا خیر.

اما می‌توان گفت چنانکه فرایند دیپلماتیک در شبه جزیره کره ادامه یابد، صلح می‌تواند در دسترس باشد. از دیدگاه نگارندگان نیاز است که تضمین امنیتی از سوی ایالات متحده به پیونگ یانگ توسط چین پشتیبانی شود، تا کیم قانع شود در جهت خلع سلاح کامل هسته-ای کره شمالی گام بردارد. از سویی حمایت‌های اقتصادی از سوی بازیگران کلیدی در امور شبه جزیره کره به علاوه بازیگران دیگر مانند ژاپن، صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا می‌توانند پیمان صلح را تضمین کنند. اگرچه این امکان نیز وجود دارد که دولت ترامپ به این نتیجه برسد که خلع سلاح کامل در دسترس نیست و براساس آن واکنش نشان دهد و بدین ترتیب دوباره دست به اعمال حداکثر فشار و تحریم‌های سنگین‌تر نسبت به کره شمالی بزند؛ اما غیرمحمتمل است که بیجینگ و سئول از این سناریو حمایت کنند. برای اولین بار اهداف بیجینگ، پیونگ یانگ و سئول همسو هستند و مقامات سه کشور معتقدند: اعلام پایان جنگ کره و امضای پیمان صلح به منظور ایجاد صلح جدید وضع موجود استراتژیک شبه جزیره کره را تغییر خواهد داد. سئول و بیجینگ علاقمند هستند این ادعا را اثبات کنند که در سیاست‌های کیم جونگ اون تغییرات مهمی ایجاد شده است و اگر واکنش‌گتن بتواند مشوق‌های مناسبی به کره شمالی ارائه دهد، کیم جونگ اون برخلاف پدرش متعهد به خلع سلاح هسته‌ای خواهد بود. بنابراین صلح دو کره تا حدود زیادی به توافق امریکا و کره شمالی بستگی دارد (Overholt, 2019: 112-126). استفان بیگن نماینده ویژه دولت امریکا در امور کره شمالی نیز در دیدار با مون جائه این اعلام کرده است تغییری در تفکرات مقامات امریکایی برای انجام بهترین کار جهت دستیابی به هدف تاریخی خلع سلاح هسته‌ای و برقراری صلح در شبه جزیره کره ایجاد نشده و از این کار دست نخواهند کشید (Overholt, 2019: 121-130).

### نتیجه‌گیری

به‌عنوان یک مسیر سیاسی برای بازسازی روابط درون کره، دکترین مون جائه‌این، طرح اساسی و منحصر به فرد است. در واقع در حال حاضر محیط استراتژیک روابط درون کره از یک دهه قبل متفاوت‌تر شده است. کره شمالی امروزه یک دولت هسته‌ای بالقوه با ظرفیت موشک بالستیک است. کره شمالی تحت رهبری کیم جونگ اون منزوی‌تر شده و بیشتر از دوره پدرش، کیم جونگ ایل، درگیر تنش بوده است. با این وجود کیم جونگ اون پس از پیام تبریک سال نو، و با توجه به برگزاری المپیک زمستانی شرایط را برای شروع یک عصر نوین در مناسبات روابط دو کره مناسب دید. کره شمالی دریافته بود که رئیس‌جمهور جدید کره جنوبی، مون جائه‌این، با شعار بهبود روابط دو کره روی کار آمده است و طبیعتاً در این شرایط وی نمی‌خواهد برخلاف وعده‌هایش عمل کند. رئیس‌جمهور مون جائه‌این ادعا می‌کند که رویکردش در راستای سیاست شفاف کیم دای جونگ و روه مون هیون رؤسای جمهور سابق کره جنوبی قرار دارد. طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره مون جائه‌این، گرچه همان چارچوب ایدئولوژیک "سیاست شفاف" را به ارث برده است؛ اما روش خاص خود را دارد. مانند کیم دای جونگ رویکرد رئیس‌جمهور فعلی کره جنوبی، مون جائه‌این، صرفاً بر اتحاد تأکید نمی‌کند؛ بلکه بر فرآیند تعهد به اولویت آشتی، همزیستی و اعتمادسازی تأکید می‌کند. با وجود این، از یک‌سو، طرح ابتکار صلح شبه جزیره کره واقعیت خطرناک برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی را برجسته می‌کند و آن را به‌عنوان بزرگترین چالش که شبه جزیره با آن روبرو است اعلام می‌کند و همچنین خواستار انهدام کامل و برگشت‌ناپذیر برنامه هسته‌ای کره شمالی می‌شود.

این طرح توقف آزمایش هسته‌ای و موشکی کره شمالی را شرط ضروری مذاکره برای پیمان صلح مطرح کرده و پیشنهاد همکاری اقتصادی را نیز، تابع توسعه فرآیند انهدام هسته‌ای نموده است. از سوی دیگر، در مقایسه با دولت محافظه کار لی جی میونگ و پاک گون هه؛ مون جائه‌این، مسائل حقوق بشری و انسانی یعنی روابط خصوصی مردم دو کره را در گرو

موضوع هسته‌ای قرار نمی‌دهد و خواستار حفظ روابط خویشاوندی میان مردم دو کره است. ابتکار صلح شبه جزیره کره مون جائه‌این، موضوعات نظامی و سیاسی را از کنش متقابل غیر سیاسی و انسانی جدا می‌کند و از این طریق تحول سیاسی جدیدی را در روابط درون کره ایجاد می‌کند. مون تأکید کرده است که در ابتکار صلح شبه جزیره کره، سؤال فرایند را هدایت خواهد کرد. مون ادعا دارد که رئیس‌جمهور امریکا از نقش هدایت‌گری کره جنوبی حمایت می‌کند و همچنین با رئیس‌جمهور چین در مورد نقش هدایت‌گری سؤال در متعهد کردن کره شمالی، به توافق می‌رسد. گرچه مون ممکن است برای موضوع متعهد کردن کره شمالی حمایت امریکا و چین را دریافت کند؛ اما بین سئول، بیجینگ و واشنگتن در مورد اینکه چه چیزی رویکرد تعهد و مدل‌های آن را ایجاد می‌کند، توافق وجود ندارد. ابتکار صلح شبه جزیره کره همچنین با خطر رقابت چین و امریکا برای نفوذ در شبه جزیره کره مواجه است. انتظار مون آن است که با تداوم گفتگوهای صمیمی بر سر موضوعات مختلف از جمله خلع سلاح، صلح دائمی در شبه جزیره کره تنظیم شود. از دیدگاه مون میزانی از مذاکرات لازم است تا از منازعات نظامی تصادفی جلوگیری کند و تنش‌های نظامی را کاهش و اعتماد را ایجاد کند. به نظر می‌رسد، کره شمالی میزانی از درک مشترک با کره جنوبی را دارد که در راستای سیاست‌های کره جنوبی است و به این خاطر است که کره شمالی به پیشنهاد اخیر مذاکرات درون کره پاسخ مثبت داده است. بنابراین تاکنون مذاکرات درون کره به‌طور موفقیت‌آمیز انجام شده است و به دنبال نشست‌های دوجانبه امریکا و کره شمالی به رغم توقف موقتی آن، روابط درون کره به سمت عادی‌سازی بیشتر پیش رفته است و به نظر می‌رسد همین امر مون جائه این را در جهت تداوم سیاست‌هایش باری می‌رساند.



## منابع:

- شاهنده، بهزاد و جواد طاهایی (۱۳۸۳). چین نو: دنگ شیائوپینگ و اصلاحات، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۶). نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- Bell, Christine (2006). "Eace Agreements: Their Nature and Legal Status", in *The American Journal of International Law*, vol. 100, no. 2.
- Bonnie S., Glaser (2018), "For China, One Of The Greatest Risks Of Trump-Kim Talks Is Being Sidelined",NPR.
- Christopher, Bodeen (2017), "China Tightens Border Controls with N. Korea: U.S. Diplomat", *USA Today*, <https://www.usatoday.com/>
- CBC News. (2013) "North Korea calls nuclear weapons 'nation's life'", *CBC News*
- Congressional research service. (2018). "A Peace Treaty with North Korea"? , *Congressional Research Service*
- USIP Senior Study Group Report, (2019). "China's Role in North Korea Nuclear and Peace Negotiations",*United States Institute of Peace*.
- Dae-j., K. (2000). "Lessons of German Reunification and the Korean Peninsula", *Le Monde Diplomatique*
- Eun H., S. (2006). "The Sociopolitical Organism: The Religious Dimensions of Juche Philosophy" ,*Princeton UP*.
- Galtung, J.(1996) "Peace by peaceful means: peace and conflict, development and civilization",  
- Sage Publications.
- Guen-H., P. (2014) "An Initiative for Peaceful Unification on the Korean Peninsula. Dresden - beyond division, toward integration, *The Yonhap News*
- Gerard Ruggie,John(1993)"Multilateralism:The anatomy of an institution"*New York: Columbia University press*.
- Rick, Noack (2018), "China's Official Release on Kim Jong Un's Visit, Annotated", *The Washington Post*.
- Harbom, Lotta and Peter Wallensteen (2009) "Armed Conflicts, 1946-2008", in *Journal of Peace Research*, vol. 46, no. 4.
- Hemmings, J., & Yan, K. (2018)"Tat and Pacheco Pardo, Ramon for The Diplomat Achieving Peace on the Korean Peninsula", <https://www.cnbc.com/>

- Inter-Korean Summit. (2018a). "Vision and Characteristics of Moon's Policy, Priority on Peace", Peace House, Panmunjeom.
- Inter-Korean Summit. (2018b) "President Moon Jae-in's Policy on the Korean Peninsula, , Peace House, Panmunjeom.
- "Inter-Korean Summit Preparation Committee" (2018), [www.korea.net](http://www.korea.net).
- Jae-in, M. (2017) "Körber Global Leaders Dialogue with President Moon Jae-In in Berlin", Korber Foundation, Berlin.
- Jayshree, B. & Beina, X. (2013) "The China-North Korea Relationship, Council on Foreign Relations.
- "Join Declaration of the Denuclearization of the Korean Peninsula" (2018) <https://peacemaker.un.org/>
- June 15 Joint Declaration. (2000) "Joint declaration adopted between North Korea and South Korea following the Summit Meet between Kim Dae-jung and Kim Jong-il", South-North Joint Declaration.
- Jervis, Robert(1978) "Cooperation under the security dilemma" World politics,30(2)Vanvary.
- Koreatimes, (2013) "NK says will retain nukes until US ends Hostile Policy", <http://www.koreatimes.com>.
- Kelly, R. (2010) "How to respond if North Korea really sank that SK Destroyer: 'Sell' Southern Strategic Restraint to China for Pressure on the North", Asian Security Blog.
- Kelly, R. (2012) "Strategic Patience"?, Newsweek Korea, <http://asiansecurityblog.wordpress.com/>
- Kelly, R. (2013a) "Don't Sweat the Closure of Kaesong, Diplomat", <http://thediplomat.com/>
- Kelly, R. (2013b) "North Korea is the Boy who Cried Wolf: There will be No War", Diplomat, <http://thediplomat.com/>
- Kelly, R. (2013c) "Why the West Should Relax about China, Diplomat", <http://thediplomat.com/>
- Kinzer, S. (2018) "Hoisting the False Flag", <https://www.bostonglobe.com/>
- Klingner, B. (2018) "Pyongyang Summit Declaration Strays from Denuclearization Goals", <https://thediplomat.com>.
- Knight, C. (2018) "The Inter-Korean Summit Declaration of April 27, 2018: a review in detail", Inter-Korean Summit Preparation Committee. [www.korea.net](http://www.korea.net).
- Koreans have released their own version. (2017) <http://www.timbeal.net>.

- "Korean Relations, Peace and Prosperity" (2007). October 4, <https://www.usip.org/>
- Kyung A. P., & Scott S. (2012)"North Korea in transition: politics, economy, and society", New York: Rowman and Littlefield.
- McEachern, P. (2010)" Inside the red box: North Korea's post-totalitarian politics", New York: Columbia University Press.
- Meiers. B. R. (2011) "The cleanest race: how north koreans see themselves and why it matters", New York: Melville.
- Natsios, A. (2002)"The great north korean famine", Washington, D.C.: United States Institute of Peace.
- Nozick, Rober ( 1974) "Anarchy, State And Utopia", Oxford: Basil Balckwell.
- Overholt,W. H.(2019) North Korea: Peace? Nuclear War?: Foreward, Overview, Cambridge, Massachusetts: Mossavar-Rahmani Center for Business and Government.
- Panda, A. (2018a) "What to Watch for at the Fifth Inter-Korean Summit" <https://thediplomat.com/>
- Panda, A. (2018b)" Fifth Inter-Korean Summit Scheduled for September 2018: What to Expect", The Diplomat.
- Panda, A. (2018c)" Where do inter-Korean peace talks go from here?" <https://www.cnn.com>.
- "Panmunjeom Declaration for Peace, Prosperity and Reunification of the Korean Peninsula", (2018), <http://www.korea.net/>
- Rummel,R.J.(1981)."What Is Peace", California: Sage.
- The Washington Times Weekly .(2018)"China, Loser in Trump-Korea ,Talks" [The Washington Times Weekly, https://www.pressreader.com/](https://www.pressreader.com/)
- The Yonhap News, (2017)"S. Korea rejects N.K. claim Seoul not stakeholder to nuke issue", The Yonhap News.
- Victor, C. (2011)"China's Newest Province", New York Times, <http://www.nytimes.com>.
- Wallenstein, Peter (2007) "Understanding Conflict Resolution" London; Thousand Oaks, Sage.
- Xiaodon, Liang (2017)"The Six-Party Talks at a Glance", Arms Control Association, <https://www.armscontrol.org/>